

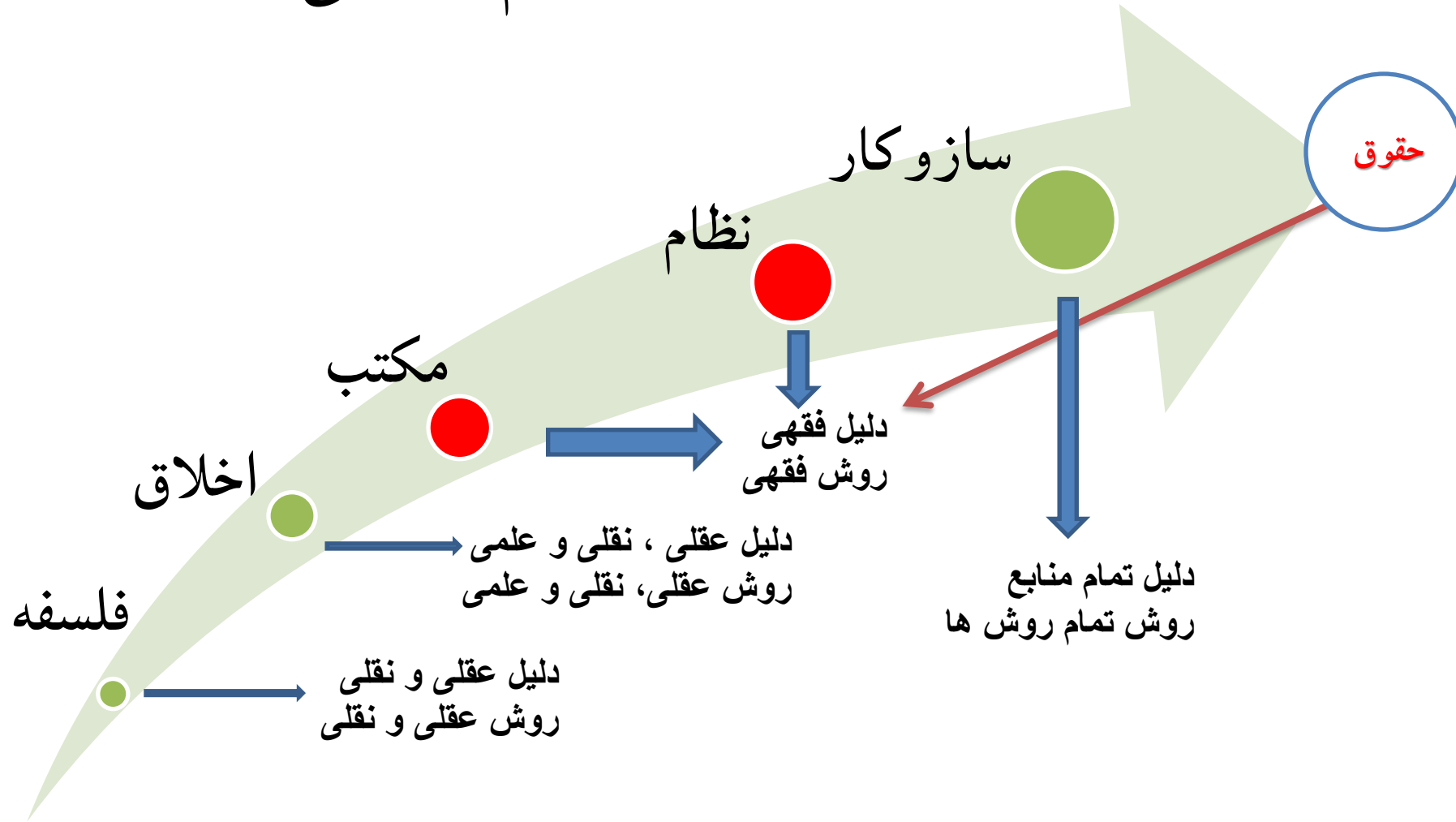
الله الرحمن

خارج الفقہ

۲۲-۹-۹۶ فقہ اکبر (مکاتب و نظام ها) ۸

دراسات الاستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

سیستم اسلامی



اهداف
مکتب
اقتصادی
اسلام

نظام
اقتصادی
اسلام

مبانی
مکتب
اقتصادی
اسلام

اهداف مکتب

اقتصادی

اسلام

مبانی مکتب

اقتصادی

اسلام

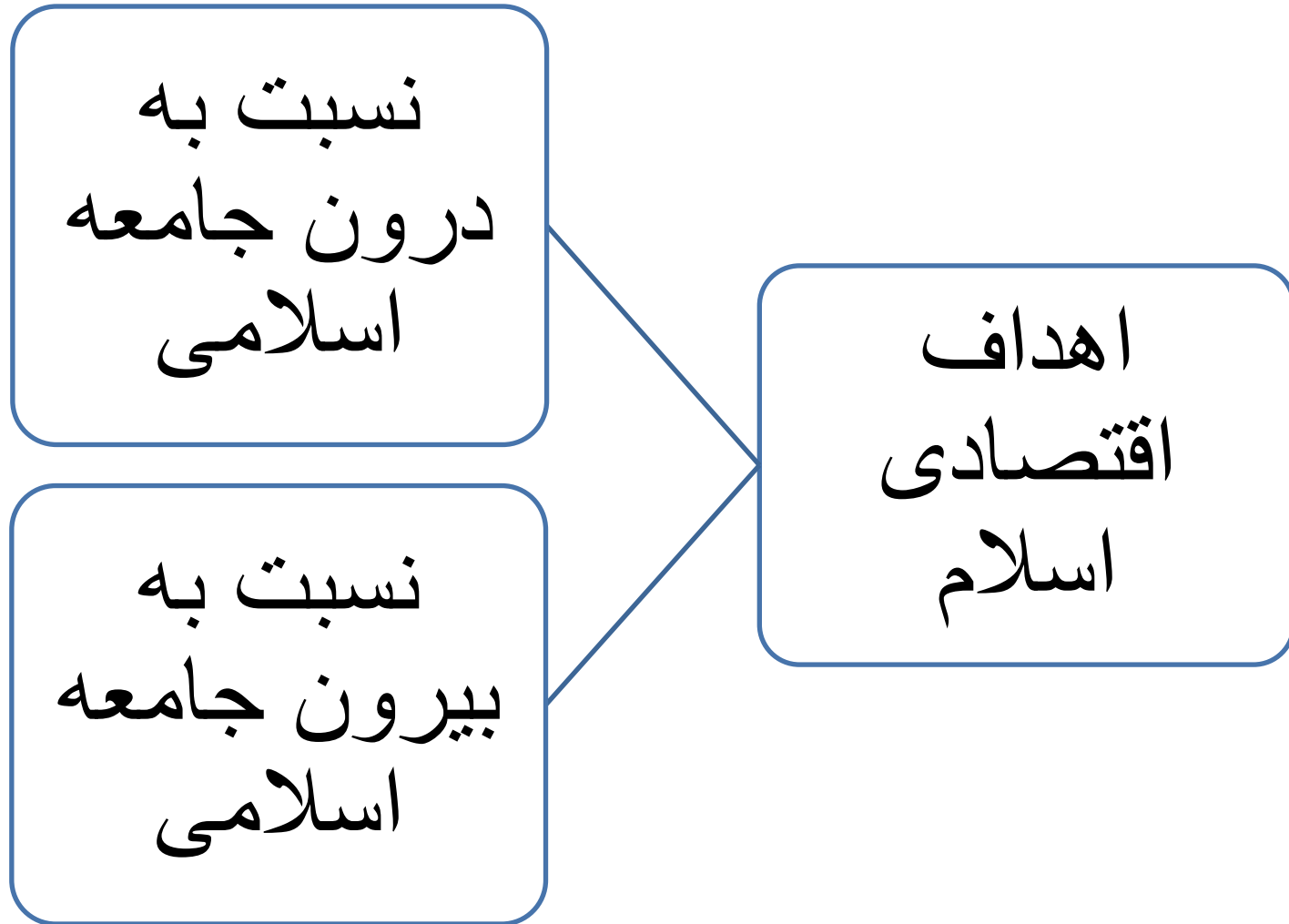
تحقق خارجی

مباني مكتب
اقتصادى
اسلام

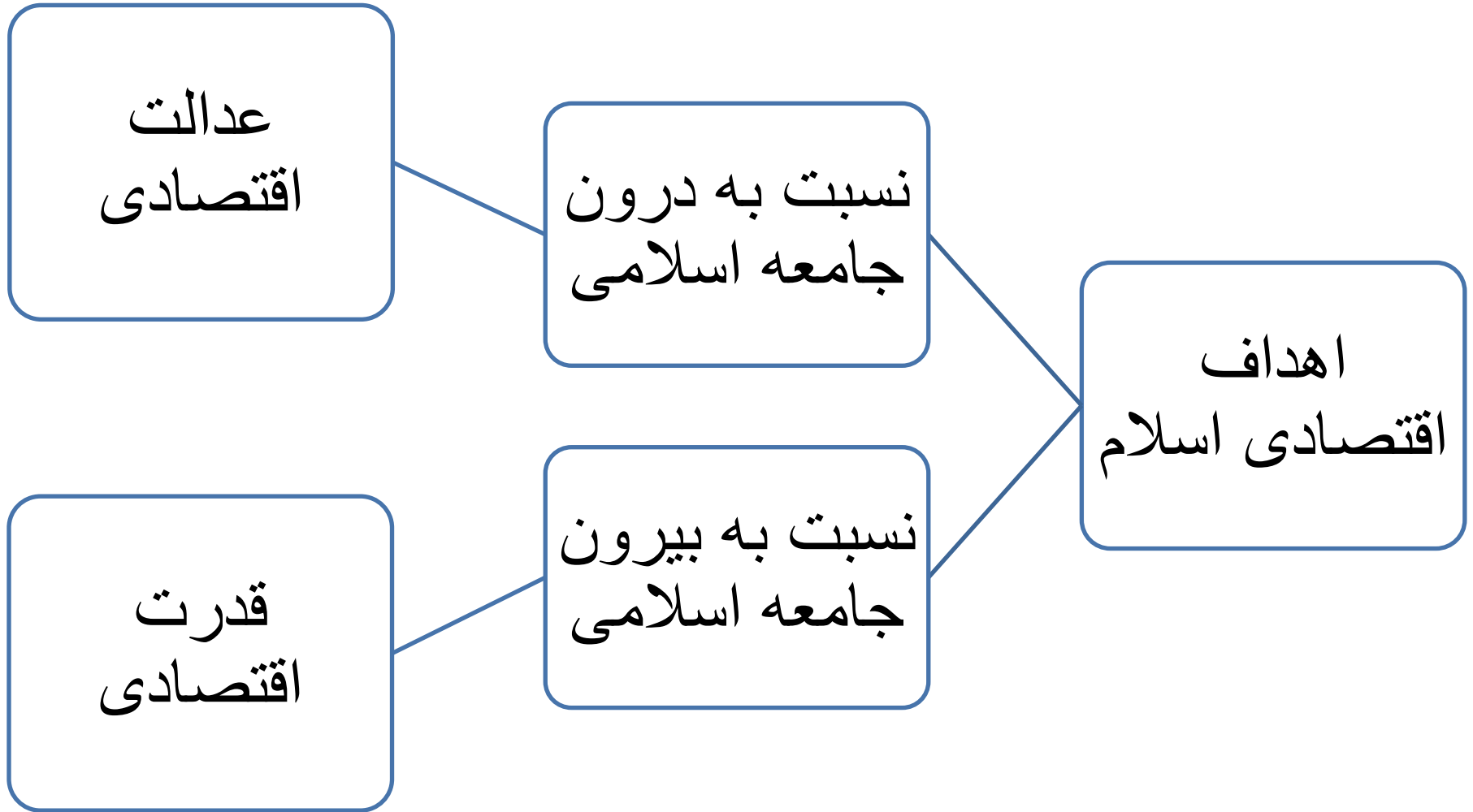
اهداف مكتب
اقتصادى
اسلام

تحقيق علمى

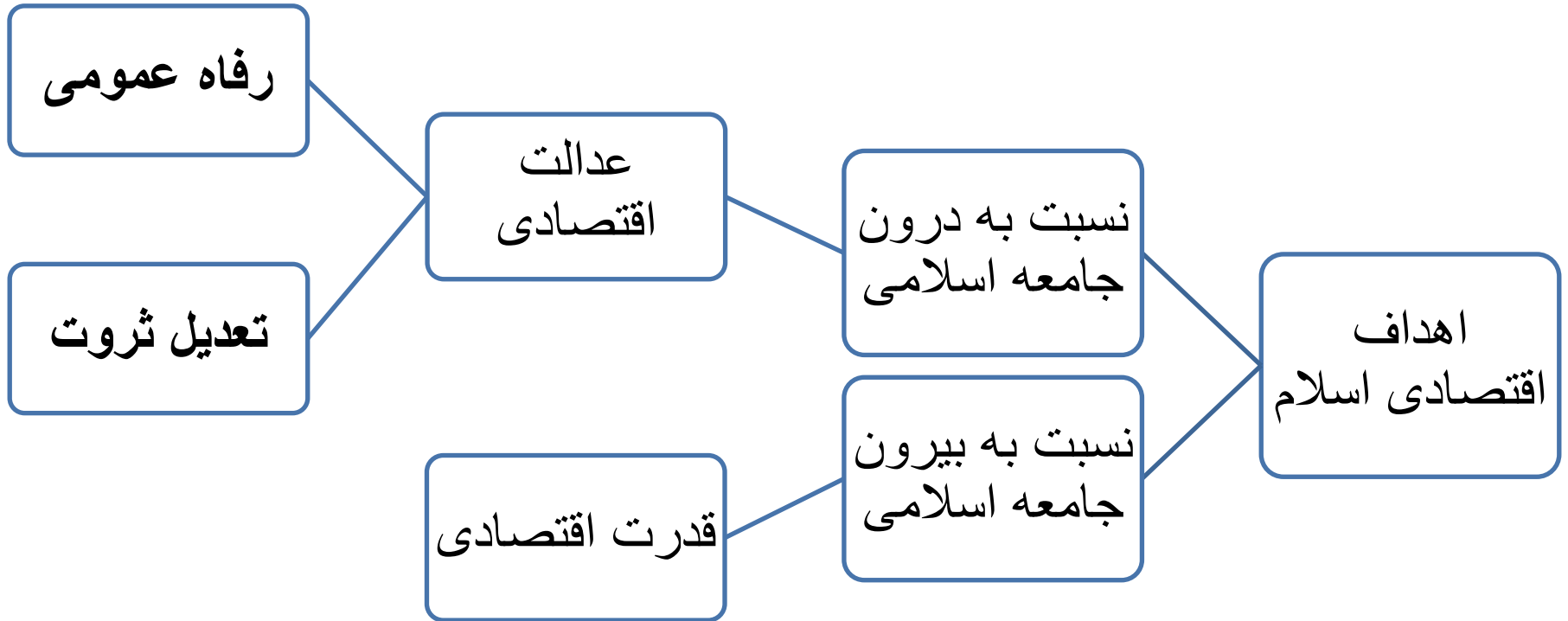
توسعه یافتگی اقتصادی



توسعه یافتگی اقتصادی



توسعه یافتگی اقتصادی



١. عدالت اقتصادي (٢- التوازن الاجتماعي)

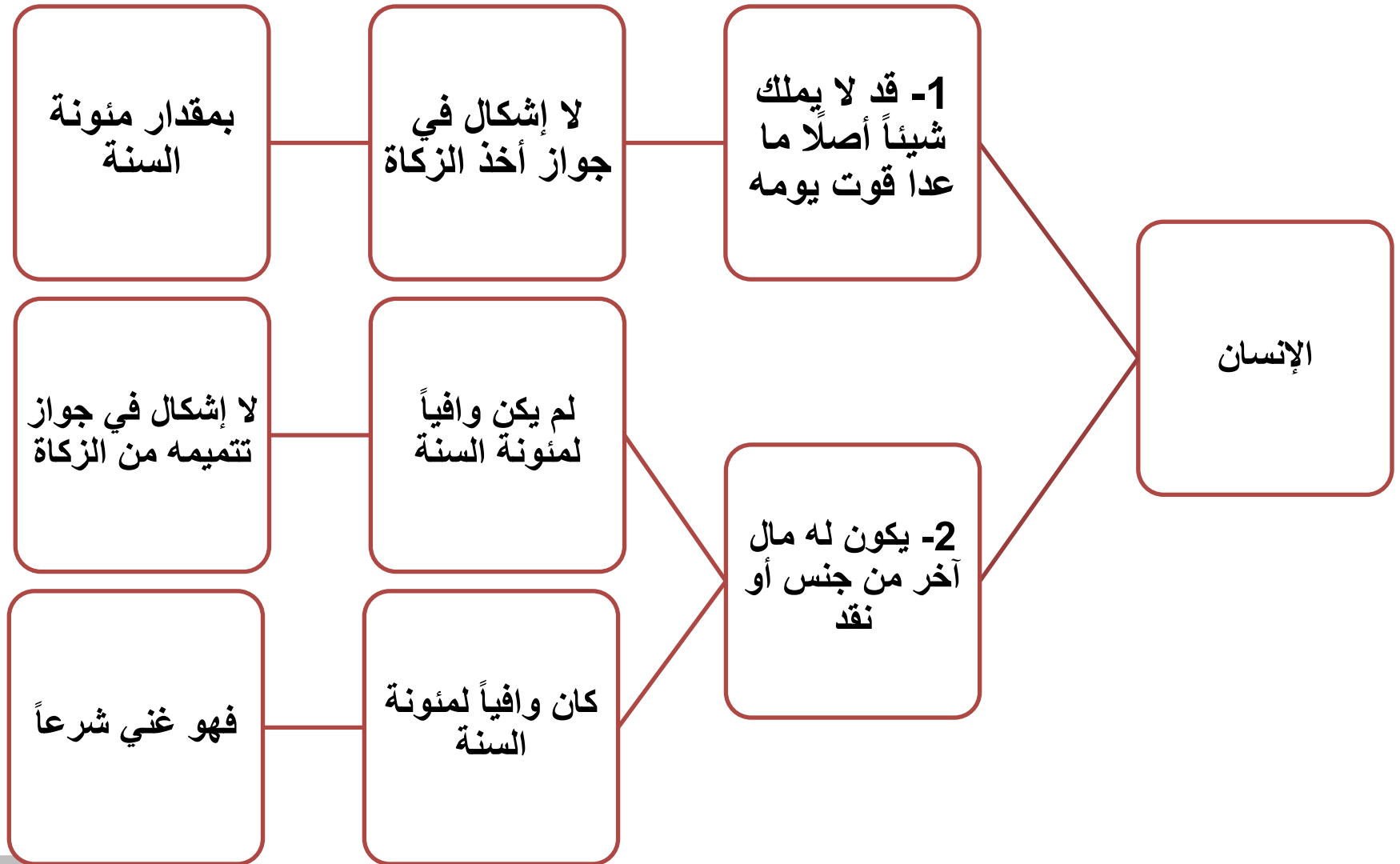
بضغط مستوى المعيشة من أعلى بتحريم الإسراف،

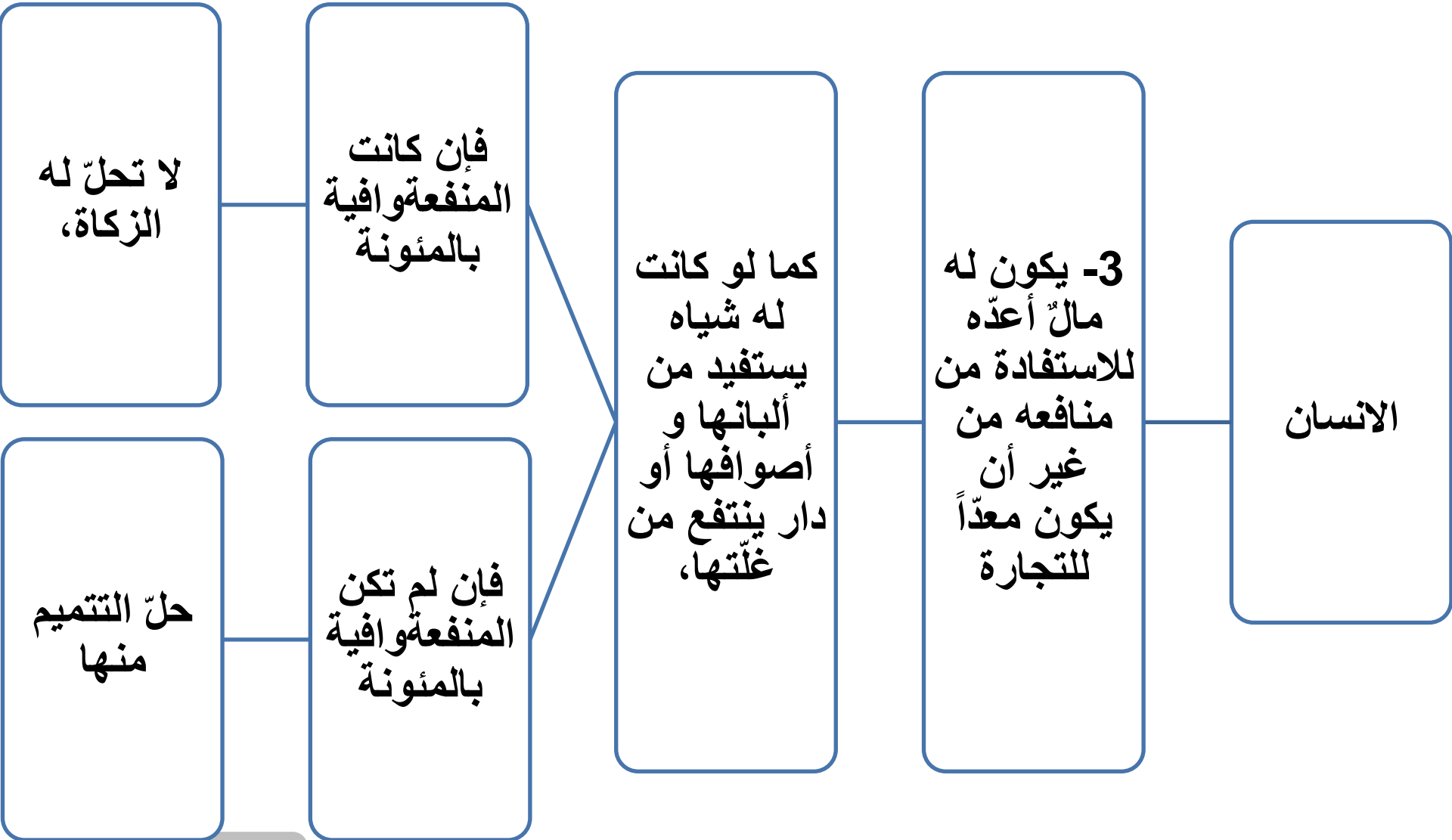
وقد قام الإسلام من ناحيته بالعمل لتحقيق هذا الهدف

وبضغط المستوى من أسفل بالارتفاع بالأفراد الذين يحيون مستوى منخفضاً من المعيشة إلى مستوى أرفع

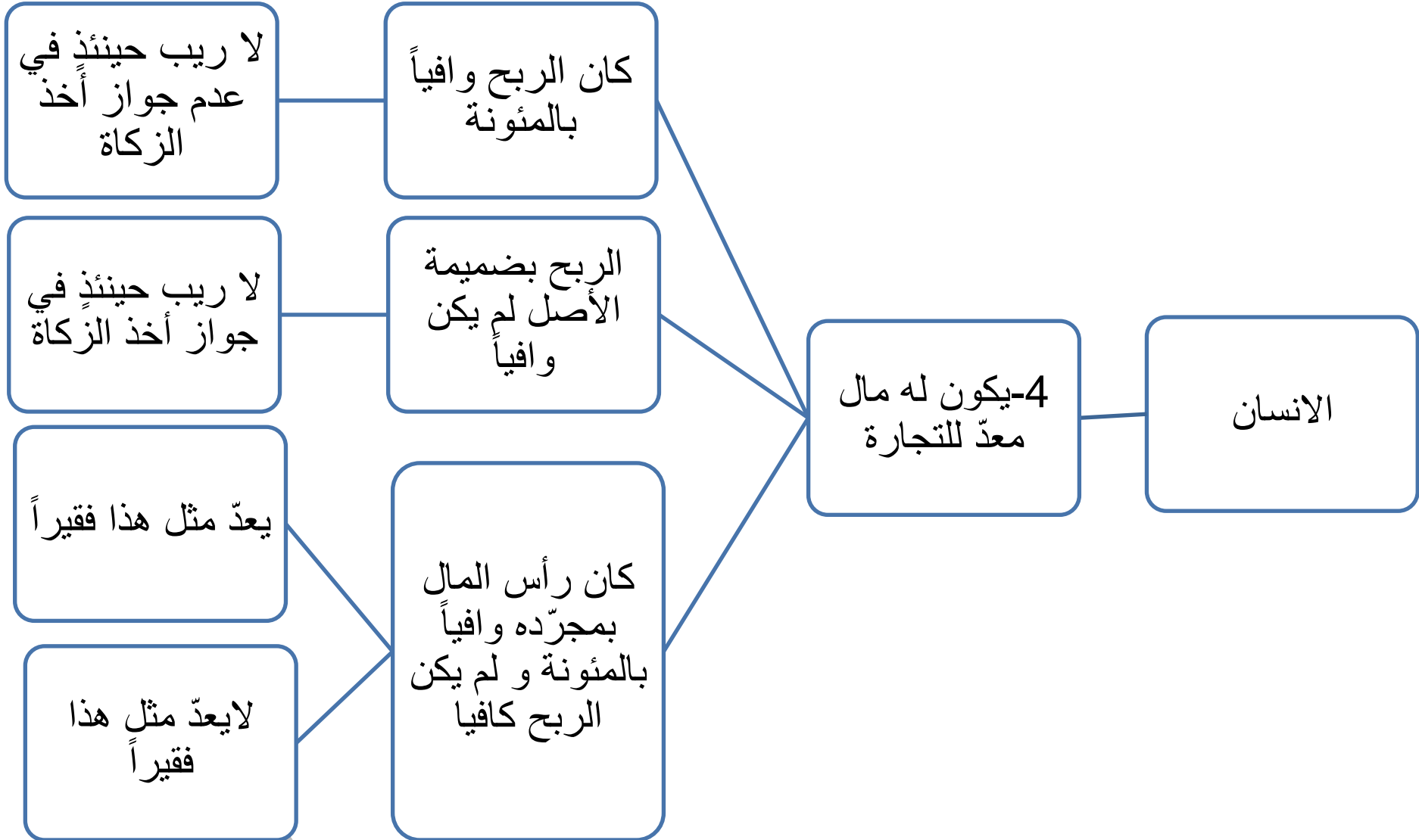
، وبذلك تتقارب المستويات حتى تندمج أخيراً في مستوى واحد قد يضم درجات، ولكنه لا يحتوي على التناقضات الرأسمالية الصارخة في مستويات المعيشة.

الأول والثاني: الفقير و المسكين

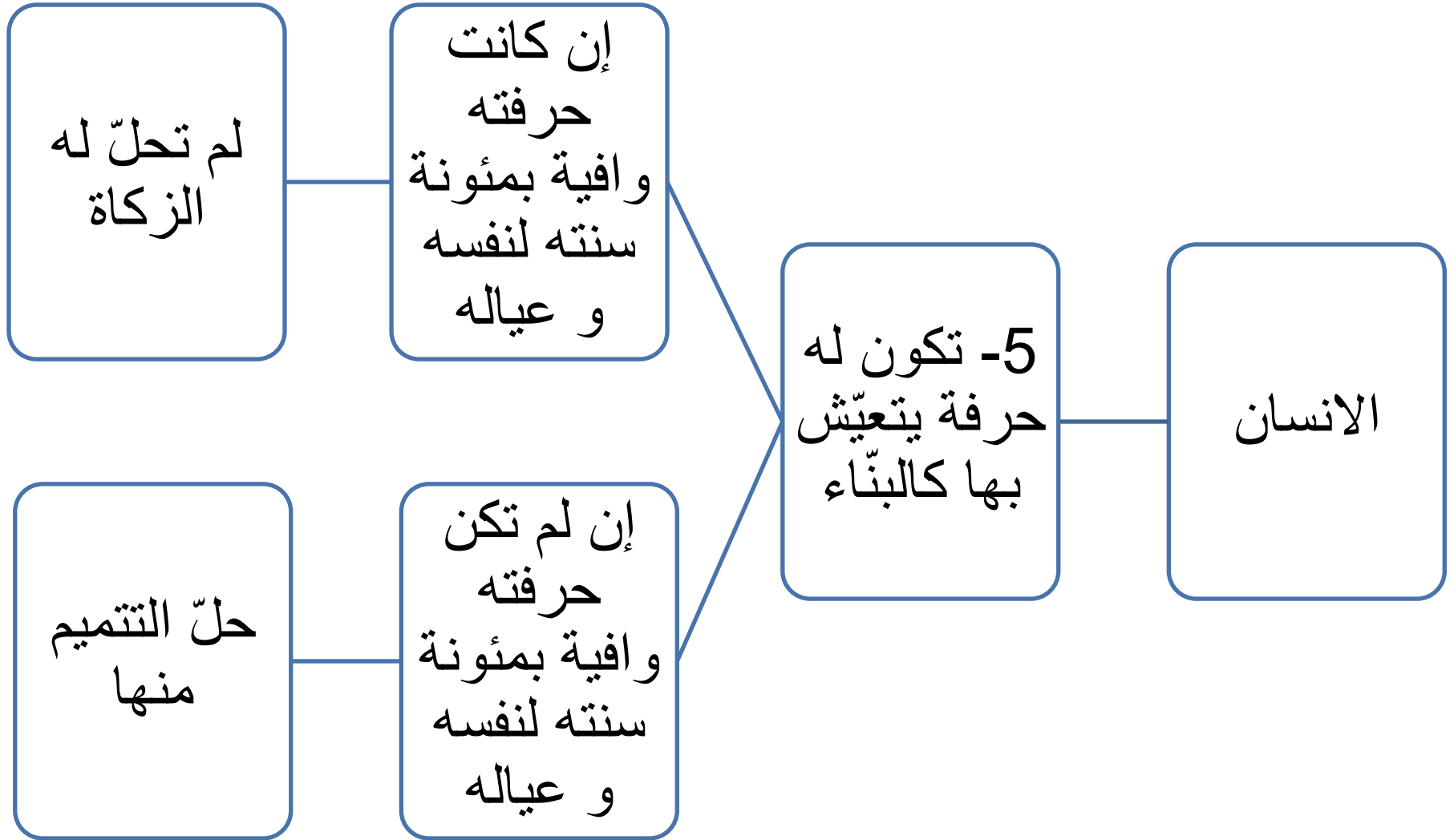




الأول و الثاني: الفقير و المسكين



الأوّل و الثانی: الفقير و المسكين



الأوّل و الثانی: الفقیر و المسکین

تحلّ له الزکاة
نظراً إلى
حاجته الفعلیة

هو محترف
بالقوّة و إن لم
یتلبّس به فعلاً

6- يكون
قادرًا على
الاكتساب، و
لكنّه لم يفعل
تکاسلاً

الانسان

لا تحلّ له
الزکاة
باعتبار قوّته
و قدرته على
تحصيل
المئونة

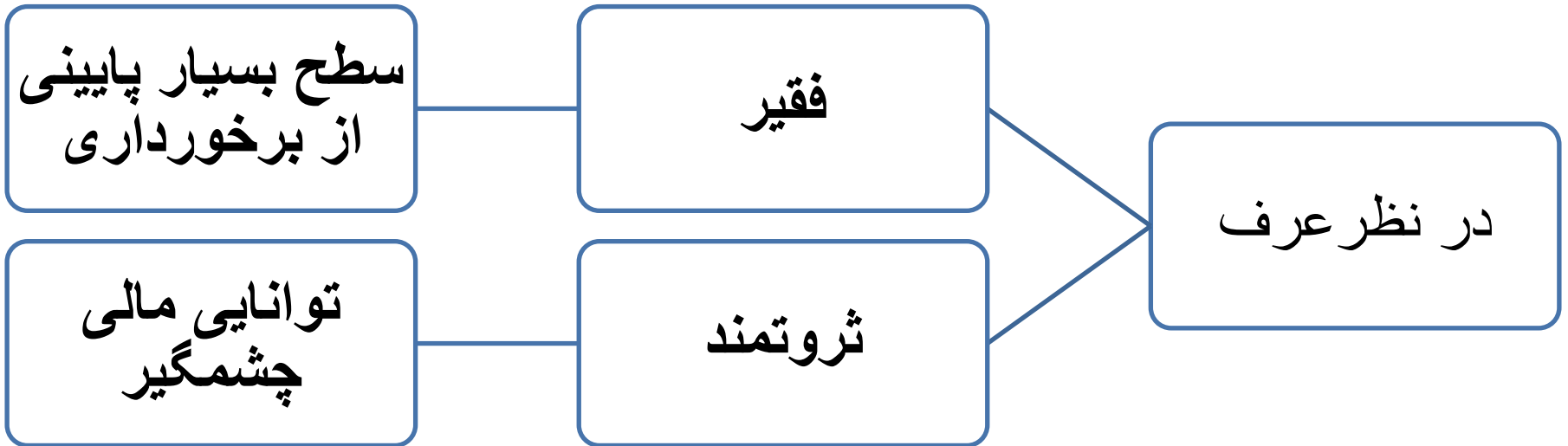
شان چگونه مشخص می شود؟

- خودروی در شان چگونه مشخص می شود؟ از نظر قیمت محاسبه می شود یا خودروی خاصی ملاک است؟
- باسمه تعالی

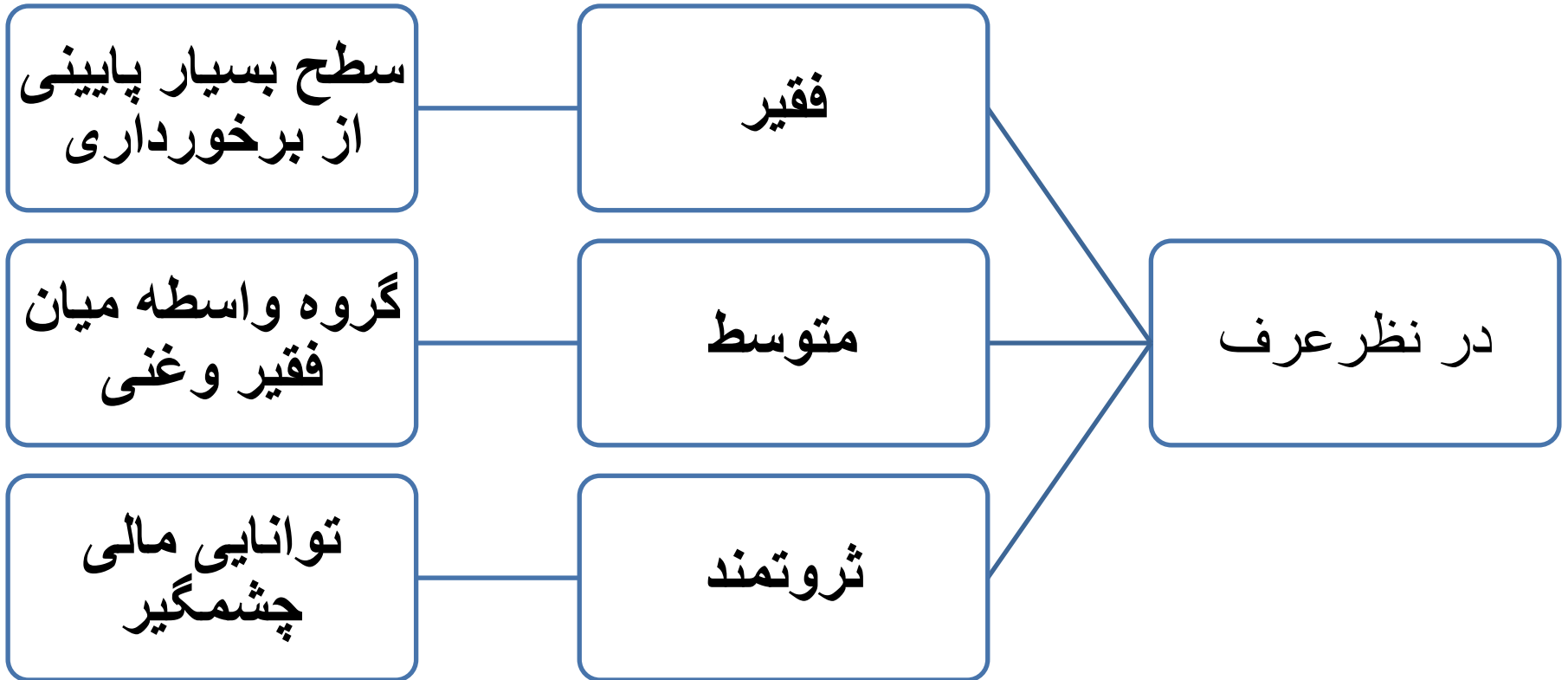
شان چگونه مشخص می شود؟

- ۱. منظور از **شان** جایگاهی است که فرد در جامعه بر اساس مجموعه ای از عوامل (همچون تحصیلات، شغل، خانواده، فرهنگ و انتظارات مردم از او) در آن قرار دارد البته شان هر فرد به وضعیت عمومی اقتصادی و اجتماعی جامعه هم بستگی دارد و همچنین با توجه به سن فرد در طول زمان شان وی نیز تغییر می کند.
- ۲. اگر کسی متناسب با جایگاهی که در آن قرار دارد اتومبیلی داشته باشد که از آن برای نیازهای شخصی استفاده می کند، این جزء مؤنه وی حساب می شود و خمس به آن تعلق نمی گیرد و این امر به قیمت اتومبیل بستگی ندارد.

فقير کیست؟



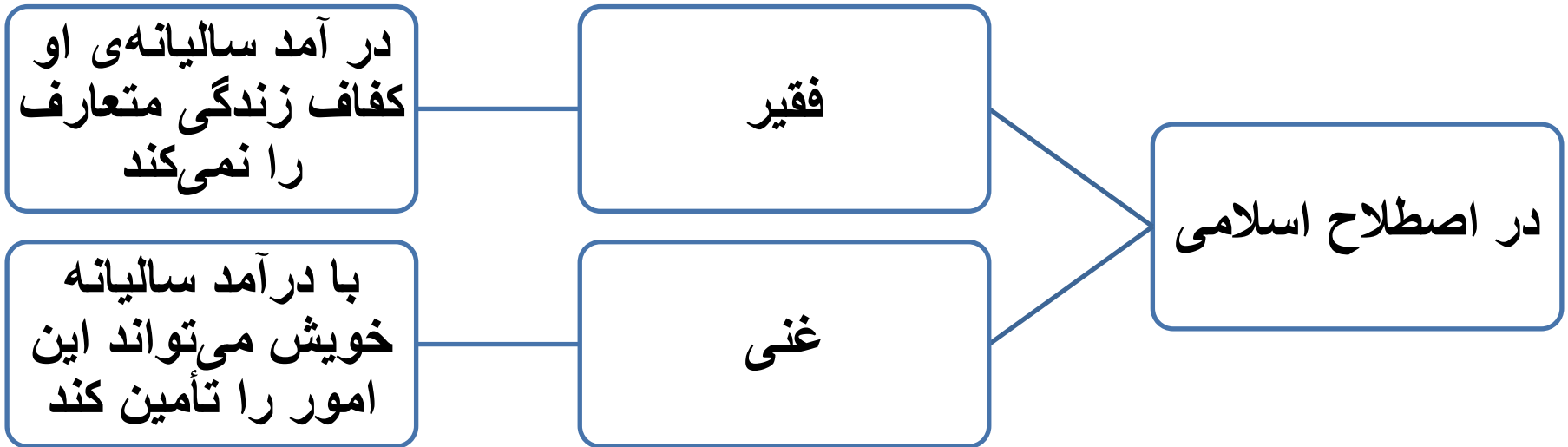
فقير کیست؟



فقير كيست؟

- فقير كيست؟
- در نظر مردم **فقير** آن است كه **در سطح بسيار پاييني** از برخورداري قرار دارد و از ضروريات زندگي بي بهره است.
- در مقابل **ثروتمند** كسي است كه **توانايي مالي او چشمگير** و قابل توجه است.
- از اين رو، در نگاه عرف **ميان فقير و غني گروهی واسطه** قرار دارند كه از آنان به طبقات **متوسط** تعبير مي شود.

فقیر کیست؟



فقير کیست؟

- اما در اصطلاح اسلامی، جامعه به دو گروه «فقير» و «غنی» تقسیم می‌شود.
- «فقير» کسی است که در آمد سالیانه‌ی او کفاف زندگی متعارف و تأمین نیازمندی‌های اساسی و رفاهی او را نمی‌کند
- و در مقابل «غنی» آن است که با تکیه بر درآمد سالیانه خویش می‌تواند این امور را تأمین کند.

فقير كيست؟

- فقر نسبي و فقر مطلق
- گاهی شخص از نیازمندی های اساسی زندگی در زمینه ی خوراک، پوشاک، مسکن، درمان وامثال آن بی بهره است و این امر سلامت جسمی و روحی، بلکه زندگی او را، تهدید می کند، بدون شک چنین امری فقر محسوب شده و می بایست از صحنه ی جامعه زدوده گردد.
- لکن فقر در نگاه اسلام منحصر به این مرتبه ی آشکار که می توان از آن به فقر مطلق یاد کرد، نیست. بلکه مراتبی از نیاز به عنوان فقر شناخته شده که در مقایسه با این درجه، بلکه درجات بالاتر، غنا محسوب می شود.

فقیر کیست؟

• به همین دلیل هنگامی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در مورد پرداخت زکات به مردی سؤال می‌کند که خانه‌ای به قیمت چهار هزار درهم و کنیز و غلامی که برایش با شتر آب می‌کشد و درآمدی معادل روزی دو تا چهار درهم دارد، حضرت علیه السلام می‌فرماید: بله، اومی تواند زکات دریافت کند و هنگامی که ابوبصیر با تعجب می‌پرسد: می‌تواند در حالی که چنین اموالی دارد؟ حضرت علیه السلام می‌فرماید: می‌گویی من او را وادار کنم خانه‌ای که عزتش به آن و محل تولدش است بفروشد؟! یا خادمی که او را از سرما و گرما حفظ می‌کند و مایه‌ی ابروی او و خانواده‌اش است؟! یا غلام و شتری که زندگیش را با آن می‌گذرانند؟! بله، اومی تواند زکات دریافت کند و این برایش حلال است و او مجبور به فروش خانه یا غلام یا شتر خود نمی‌باشد (۷۸).

فقير کیست؟

- بنابراین، شخصی که خانه، خادم و چار پایی دارد، به عنوان فقیری که می‌تواند زکات دریافت کند، شناخته شده است. با این وصف، تعیین مرز فقر در زمان‌ها و مکان‌های گوناگون متفاوت خواهد بود.

فقير كيست؟

- برخی ملاک را کاملاً شخصی شمرده‌اند و با طرح عاملی به نام «شان» همه چیز را با آن سنجیده‌اند. به گمان این گروه هر کس باید بتواند مطابق «شان» خود در جامعه زندگی کند. این «شان» را وضعیت اجتماعی او، شغلی که دارد، تحصیلات و خانواده‌ای که در آن متولد شده، ... تعیین می‌کند. از این رو، بعضی معتقدند که ممکن است شخصی با ماشین سواری آخرین مدل و راننده‌ی خود از خانه‌ی مجلّش که در آن گروهی به خدمت مشغولند، برای دریافت زکاتی مراجعه کند که یک کشاورز از حاصل کار خود در یک زمین کوچک با کمترین امکانات پرداخته است!

فقیر کیست؟

- ولی انتساب چنین امری به اسلام عزیز، دین عدالت و عدل گستری، به دور از انصاف است. اگر در اسلام «فقر» به صورت امری نسبی در نظر گرفته شده، به دلیل توجه به شرایط گوناگون اقتصادی در جوامع مختلف بوده است. نه اینکه برای هر کسی «شأنی» در جامعه قائل شود که تمام آحاد جامعه متکفل حفظ و تأمین آن باشند و لودر این راه از طبقات کم درآمد مالیاتی برای طبقات پر درآمد دریافت شود، تا بتوانند به رفاه و عیش خویش ادامه دهند!

فقير کیست؟

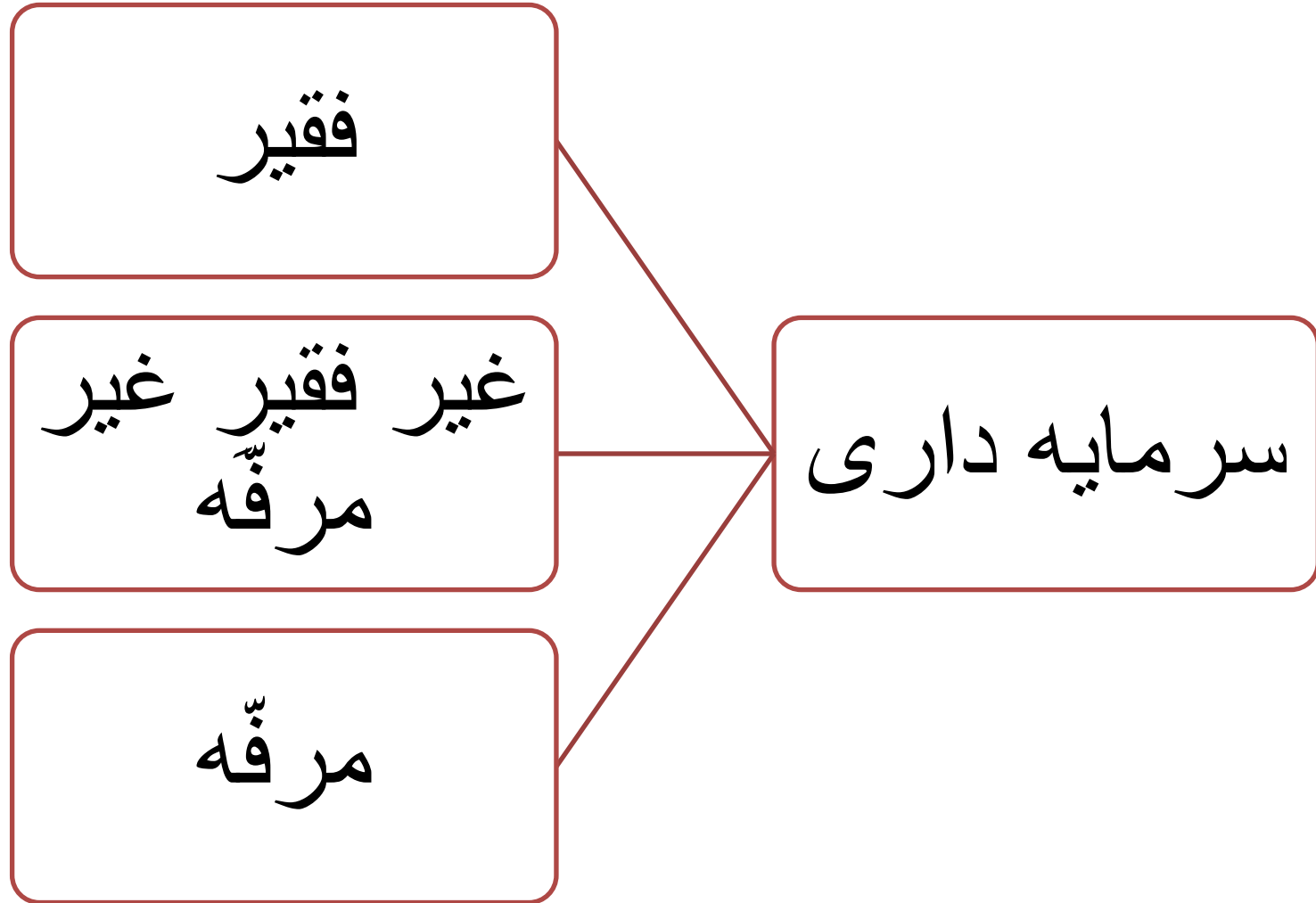
- از این رو، برای تعیین حدود فقر می‌بایست وضعیت عمومی جامعه را در نظر گرفت، اگر کسی از میانگین امکانات رفاهی جامعه بی‌بهره باشد، فقیر خواهد بود و بر کسانی که از این میانگین یا بیشتر برخوردارند، لازم است، او را یاری کنند تا به سطح میانگین برسد.

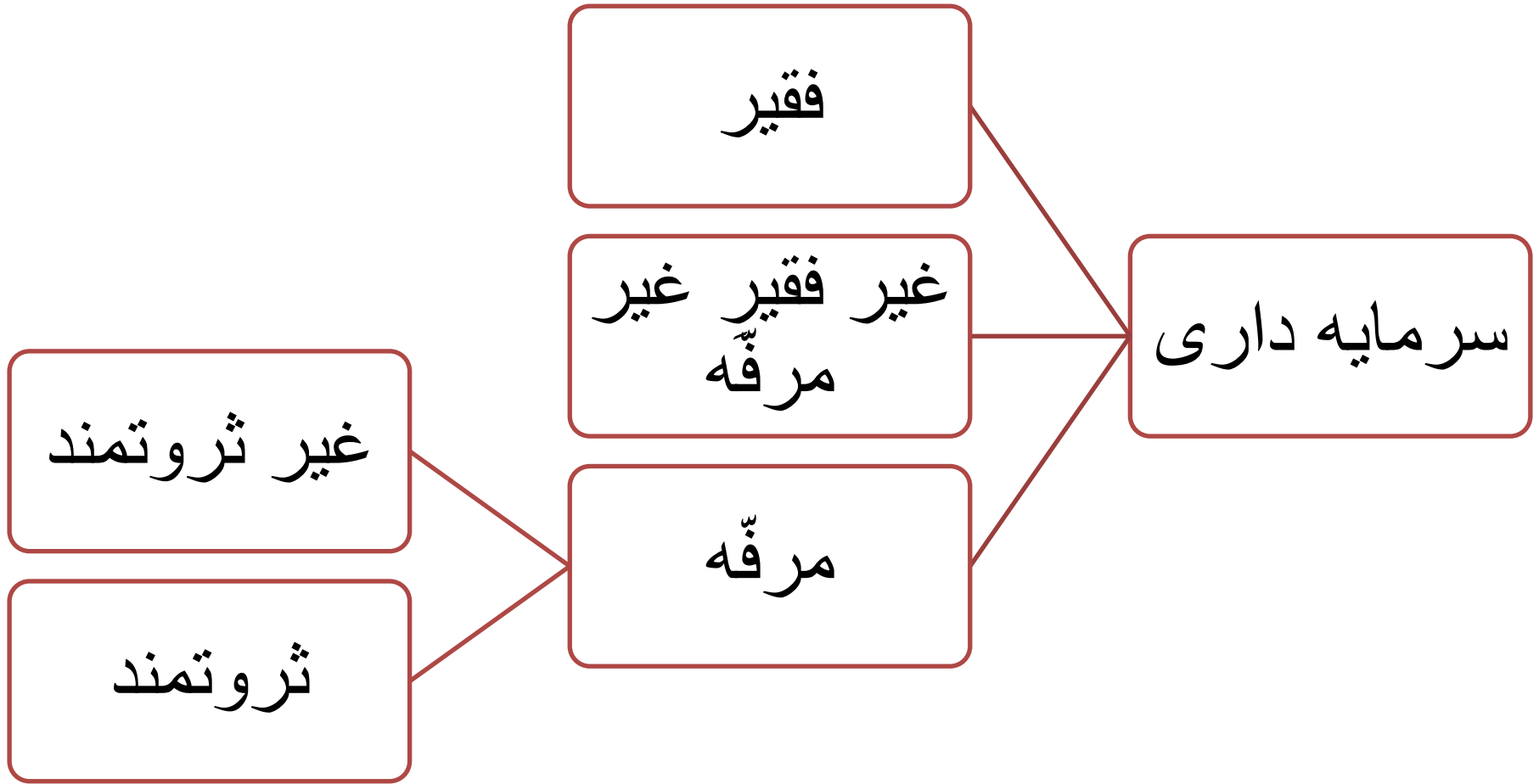
فقیر کیست؟

- اگر در روایات ائمه علیهم السلام مشاهده می‌کنیم داشتن خانه یا خادم یا چارپا عاملی که از گرفتن زکات مانع شود، (۷۹) محسوب نشده و شخص در عین دارا بودن این امور فقیر تلقی گردیده، از آن رونبوده که این روایات به شخص خاص نظر داشته و در شأن او چنین چیزهایی را روا می‌دیده است، بلکه با توجه به صدور حکم در این روایات به صورت عمومی معلوم می‌شود که در آن روزگار داشتن این امور جزء میانگین سطح زندگی محسوب می‌شده و اگر کسی با دارا بودن آن از اداره‌ی زندگی خود عاجز بوده، جزء فقیران به حساب می‌آمده و می‌توانسته است از زکات برخوردار شود و مجبور به فروش آنها نبوده است تا خرج زندگی روزمره‌ی خانواده‌ی خود را از این طریق تحصیل کند.

فقير كيست؟

- به همین دلیل، در برخی از روایات با این تعبیر مواجه می‌شویم که «خانه و خادم مال نیستند» (۸۰). در حالی که بدون شک این دوازده مصادیق بارز «مال» در نگاه عرف و شرع محسوب می‌شوند. توضیح آنکه چون این‌گونه امور جزء ضروریات و میانگین سطح زندگی آن روزگار و آن جامعه بوده‌اند، به عنوان اموالی که دارا بودن آن شخص را از زمره ی فقرا خارج کند، محسوب نشده‌اند. پس اگر کسی در عین داشتن این اموال، نتواند مخارج زندگی خویش را تأمین کند، در زمره ی فقیران به حساب می‌آید و می‌تواند از زکات استفاده کند. از این رو، اگر کسی دارای سرمایه باشد و با آن به کار اقتصادی پردازد، ولی این فعالیت نتواند کفاف زندگی او کند، می‌تواند از سهم زکات برخوردار شود (۸۱).





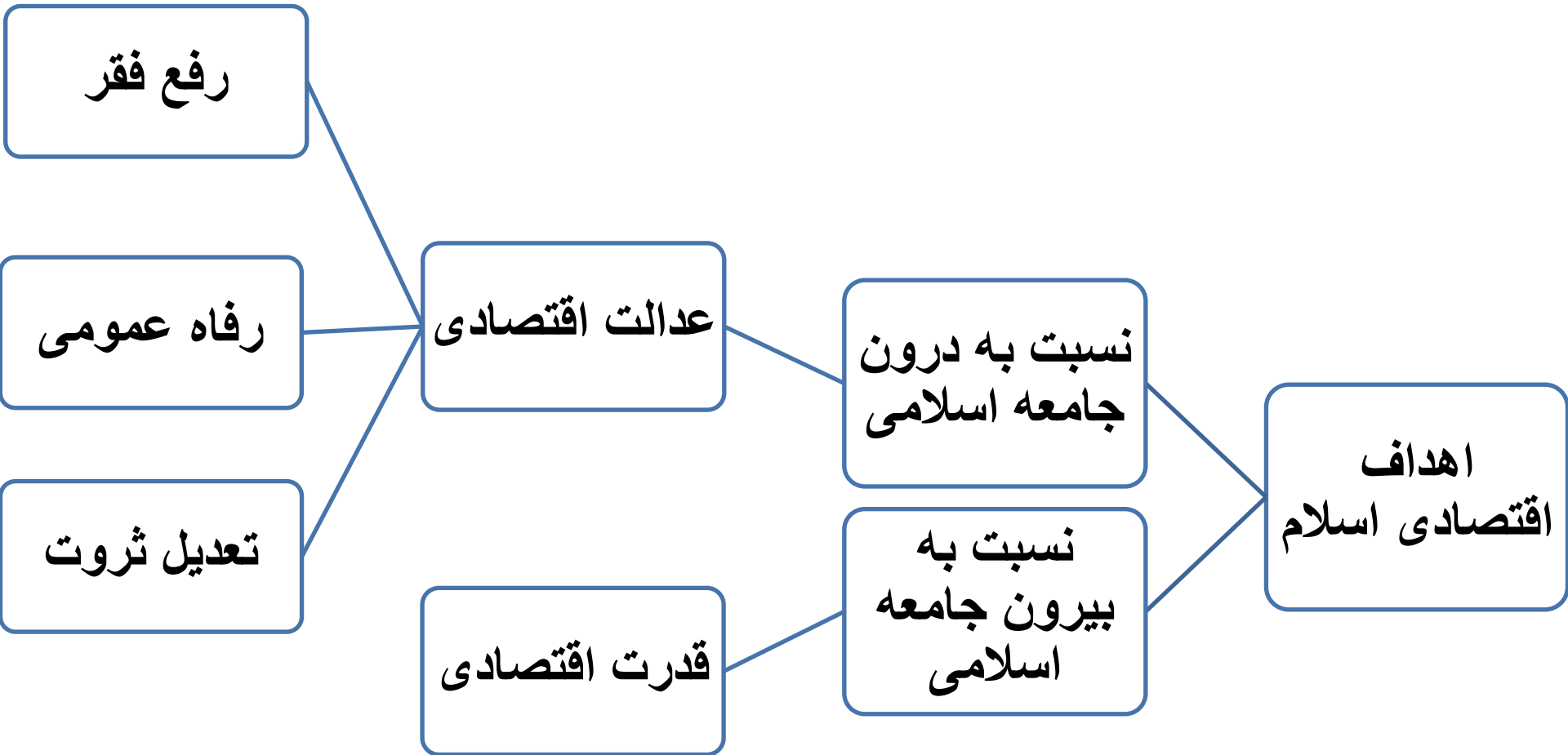
- فقر و رفاه
- در اقتصاد سرمایه داری، فقیر کسی است که از حداقل امکانات زندگی بهره‌مند نیست. بنا بر این هنگامی که شخص از این مقدار امکانات برخوردار شود و نیازهای ضروری او بر طرف گردد، از فقر خارج شده است و لوازم رفاه بهره نداشته باشد و در نهایت سختی اقتصادی و خواری اجتماعی به زندگی ادامه دهد. این همان چیزی است که در مراکز حمایت از فقرا در کشورهای سرمایه داری به وقوع می‌پیوندد.

فقر و رفاه

- بر اساس این تلقی، مفهوم «رفاه» امری متفاوت با «رفع فقر» خواهد بود و مرفه کسی است که نه تنها فقیر نیست، بلکه در آسایش و راحتی به سر می‌برد.
- بنابراین افراد در جامعه به سه گروه: فقیر، غیر فقیر غیر مرفه و مرفه تقسیم می‌شوند.
- گاه حتی مرفهین نیز به دودسته‌ی ثروتمند و غیر ثروتمند طبقه‌بندی می‌گردند.
- در نتیجه بین فقر و غنی در این اصطلاح دو گروه «غیر فقیر غیر مرفه» و «مرفه غیر غنی» قرار می‌گیرند.

- گروهی به پیروی از این طرز تفکر تلاش کرده‌اند با استناد به آیات و روایات دو مطلب را ثابت کنند:
- ۱. رفاه در اسلام مطلوب است
- ۲. تأمین رفاه برای همه هدف اسلام می‌باشد.
- از این رو، آنان نه تنها «رفع فقر» را هدف اقتصادی اسلام دانسته‌اند، بلکه «رفاه عمومی» را نیز جزء این امور برشمرده‌اند.

توسعه یافتگی اقتصادی



- برای اثبات مطلب اول به آیهی
- «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»
- ؛ [ای پیامبر] بگو: «زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزی های پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده است؟» (۸۲)، تمسک شده است.

- در حالی که این آیه استفاده از زیورها و روزی های پاکیزه را حلال و غیر ممنوع اعلام می کند، اما نسبت به اینکه رسیدن به این بهره مندی هدف اقتصادی اسلام است، ساکت می باشد و دلالتی ندارد.
- البته اگر کسی چنین ادعایی را بپذیرد که هر امر حلالی هدف اقتصادی اسلام است، می تواند از آیه مزبور در این مقام بهره جوید. ولی مشکل در اثبات چنین ادعای بزرگی است!

فقر و رفاه

- در مورد مطلب دوم، آیه یا روایت خاصی یافت نشده و به این نکته بسنده شده است که چون اسلام برای تأمین زندگی فقرا و محرومان منابع مالی متعددی قرار داده، پس رفاه عمومی هدف اقتصادی اسلام است (۸۳). اما اگر ما حساب رفاه را از رفع فقر جدا کنیم و به شیوه ی اقتصاد سرمایه داری، مرفه را با غیر فقیر مغایر بدانیم، چگونه می توان از ادله ای که رفع فقر را هدف معرفی می کند، رفاه عمومی را به عنوان هدف اقتصادی اسلام نتیجه بگیریم!

- به هر حال، با توجه به بحثی که پیرامون فقیر از دیدگاه اسلام گذشت، به خوبی آشکار است که «فقیر» در نگاه اسلام همان کسی است که از رفاه برخوردار نیست، نه این که فقط از ضروریات زندگی بی بهره باشد و هنگامی فقر بر طرف می شود که شخص به رفاه برسد و چون مادامی که فقیر، یعنی غیر مرفه، در جامعه وجود دارد، این هدف حاصل نشده پس «رفاه عمومی» هدف اقتصادی اسلام است.

فقر و رفاه

- رفاه عمومی در قرآن
- با توجه به بحث های قبلی، از دیدگاه اسلام فقر به معنای عدم رفاه می باشد، پس تمامی آیاتی که فقیر را به عنوان مورد انفاق (خمس، زکات، صدقات و...) معرفی می کنند، در واقع بیانگر این مطلبند که رفاه عمومی هدف اقتصادی اسلام است، زیرا در این آیات انفاقات برای کسانی که به کفاف و رفاه نرسیده اند، قرار داده شده و بدون شک علت و نکته اینکه چنین افرادی به عنوان مورد انفاق مطرح شده اند، همان فقر و عدم کفاف آنها بوده است.

- بنابراین، انفاقات راهی برای رسیدن به رفاه ورفاه عمومی یکی از اهداف اقتصادی اسلام شمرده شده است. این آیات عبارتند از:
- ۱. «ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى فلله و للرسول ولذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السبیل»؛
- آنچه خداوند از [اموال] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید از آن خدا و از آن رسول و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است (۸۴).

- در این آیه بینوایان (مساکین) به عنوان یکی از موارد مصرف فیء شمرده شده‌اند و روشن است که نکته‌اش فقر و عدم برخورداری از رفاه و کفاف مالی می‌باشد.

- ۲. «واعلموا أنَّما غنمتم من شيءٍ فأنَّ لله خمسَهُ وللرسول و لذی القُربی والیتامی و المساکین و ابن السبیل»؛
- و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و رسول و خویشان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است (۸۵).
- ۳. «إنَّما الصدقات للفقراء و المساکین و العاملین علیها...»؛
- صدقات تنها به فقرا و بینوایان و متصدیان [گرد آوری و پخش] آن اختصاص دارد (۸۶).

- ۴. «للفقراء الذين أُحصروا في سبيل الله لا يستطيعون ضرباً في الأرض...»؛
- [این صدقات [برای آن فقیرانی است که در راه خدا فرومانده اند و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه‌ی زندگی [در زمین سفر کنند (۸۷).
- ۵. «وفي أموالهم حق معلوم للسائل والمحروم»؛
- در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود (۸۸).
-

فقر و رفاه

- رفاه عمومی از نگاه سنت
- اخبار و روایات فراوانی در باب روش برخورد حکومت نبوی صلی الله علیه وآله وسلم و خلافت علوی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام با فقرا و بینوایان در کتب حدیث و تاریخ وجود دارد که همگی مفسر آیات الهی و مبین توجه اسلام به «رفاه عمومی» و پذیرش آن به عنوان یک هدف اقتصادی مهم است.

- در کلمات معصومان علیهم السلام نیز توضیحات روشنی پیرامون این مطلب می‌توان یافت. از جمله روایتی است از امام کاظم علیه السلام که در بخشی از آن آمده است:

- «فَأَخَذَهُ الْوَالِي فَوَجَّهَهُ فِي الْجِهَةِ الَّتِي وَجَّهَهَا اللَّهُ عَلَى ثَمَانِيَةِ أَسْهُمٍ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمُؤَلَّفَةَ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ السَّبِيلِ ثَمَانِيَةَ أَسْهُمٍ يَقْسَمُ بَيْنَهُمْ فِي مَوَاضِعِهِمْ بِقَدْرِ مَا يَسْتَغْنُونَ بِهِ فِي سُنَّتِهِمْ بِلا ضَيْقٍ وَلَا تَقْتِيرٍ، فَإِنْ فَضَلَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ رَدَّ إِلَى الْوَالِي وَإِنْ نَقَصَ مِنْ ذَلِكَ شَيْءٌ وَلَمْ يَكْتَفُوا بِهِ كَانَ عَلَى الْوَالِي أَنْ يَمُونَهُمْ مِنْ عِنْدِهِ بِقَدْرِ سَعَتِهِمْ حَتَّى يَسْتَغْنُوا»؛

- زکات را حاکم می‌گیرد و در مواردی که خدا تعیین کرده است، بر هشت سهم قرار می‌دهد: ۱. فقرا، ۲. بینوایان، ۳. متصدیان گردآوری و پخش زکات، ۴. دلجویی شدگان، ۵. بردگان، ۶. بدهکاران، ۷. در راه خدا، ۸. در راه ماندگان. هشت سهم که در بین آنان در مواردشان، به آن مقدار که در آن سال بدون فشار و تنگدستی مستغنی شوند، تقسیم می‌شود. پس اگر از این موارد چیزی اضافه آمد، به حاکم باز گردانده می‌شود و اگر کم آمد و در حد استغنا به وسیله‌ی زکات تأمین نشدند، بر عهده‌ی والی است که از نزد خویش به اندازه‌ی گنجایش آنان به ایشان بدهد تا بی‌نیاز گردند. (۸۹).

- در این روایت به وضوح رفع فقر به معنای ایجاد رفاه عمومی به عنوان هدف اقتصادی اسلام معرفی شده و وظیفه‌ی حاکم اسلامی شمرده شده است و حضرت علیه السلام با تعبیر «بدون فشار و تنگدستی» (بلاضیق ولا تقتیر) کاملاً مراد اسلام را از عدم فقر که همان رفاه است بیان نموده‌اند و واسطه‌ی بین فقیر و مرفه را مردود اعلام کرده‌اند.

- در حدیث دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که به فقیر آن مقدار از زکات داده می‌شود که او را بی نیاز گرداند: «تعطیه من الزکاة حتی تغنیه» (۹۰) و در جای دیگر می‌فرمایند: باید به فقیر آن مقدار داده شود که بخورد و بیاشامد و بپوشد و ازدواج کند و صدقه دهد و به حج رود (۹۱).

- این تعابیر نیز به وضوح مراد از رفع فقر را بیان و آن را حد رفاه معرفی می‌کند. با این وصف، هیچ شکی در پذیرش «رفاه عمومی» به عنوان یک هدف اقتصادی در اسلام باقی نمی‌ماند.



موسسه
و حکمت
و عفت
عالمی